

Investigating the Non-Financial Rights of Couples in Islamic Jurisprudence and Quranic Verses with Emphasis on Children's Upbringing and Sexual Needs

ARTICLE INFO

Article Type

Reasearch Article

Aurhors

Peyman Mardiyani¹

Mahboobeh Abdolahi^{2*}

Fahimeh Malekzadeh³

How to cite this article

Akram Hojati, Karim Afsharina, Saideh Alsadat Hosseini, Mokhtar Arefi, The Effectiveness of Emotion-Oriented Therapy on Attachment Patterns, Communication Patterns and Lifestyle of Incompatible Couples Referring to Counseling Centers, *Journal of Quran and Medicine*, 2022;7(3):156-165.

1. PhD student, Department of Private Law, Khuzestan Science and Research Campus, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran. (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Private Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: abdolahi80@gmail.com

ABSTRACT

Purpose: The purpose of the current research was to examine the non-financial rights of couples in Islamic jurisprudence, verses of the Quran. One of the rights of couples is their non-financial rights towards each other. Therefore, the Islamic legal system has special foundations regarding the rights and relationships governing couples. So that some of the rights and duties are more suitable for men and some of them for women, and the basis of drafting the rights between couples is based on the inherent differences between the two sexes.

Materials and Methods: In this research, a descriptive analytical method with a documentary approach has been used.

Findings: The non-financial rights and duties of spouses from the perspective of jurisprudence and Islamic law include three common categories, specific to the wife and specific to the husband. The jurists and intellectuals were also not affected by the prevailing customs and attitudes of the people of their time.

Conclusion: In examining the non-financial rights of spouses, the issue of headship of the family and determining its limits and explaining the effects of the headship of the husband on the wife is also a very important issue that by using the basic principles and rules of jurisprudence and numerous verses and traditions, these limits and limits and Also, the existence or lack of influence of this headship on the woman's place of residence, citizenship, and family name has been well clarified. Socializing well, managing according to the interests of the family, avoiding self-opinion and coercion are among the principles that limit the right of a man to be the head of a family.

Keywords: Non-Financial Law, Iran, Couples, Islamic Jurisprudence

بررسی حقوق غیرمالی زوجین در فقه اسلامی و آیات

قرآن با تاکید بر تربیت فرزندان و نیاز جنسی

پیمان مردیان^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

محبوبه عبدالهی^{۲*}

استادیار، گروه حقوق، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران (نویسنده مسئول).

فهیمة ملک زاده^۳

استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی حقوق غیرمالی زوجین در فقه اسلامی، آیات قرآن بود. یکی از حقوق زوجین، حقوق غیرمالی آنها نسبت به یکدیگر است. از این رو، نظام حقوقی اسلام درباره حقوق و روابط حاکم بر زوجین، مبانی خاص دارد. به طوری که برخی از حقوق و تکالیف را برای مرد و پاره‌ای از آنها را برای زن مناسب‌تر دانسته و مبنای تدوین حقوق میان زوجین را بر تفاوت‌های ذاتی میان دو جنس استوار ساخته است.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی با رویکرد اسنادی بهره گرفته شده است.

یافته‌ها: حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین از منظر فقه و حقوق اسلام شامل سه دسته مشترک، مختص زوجه و مختص زوج است، اما از آنجا که حقوق غیرمالی زوجین وابستگی شدیدی به عرف و اخلاق دارد، در طول زمان همیشه دستخوش تغییرات زیادی بوده است و نظر فقها و اندیشمندان هم، از عرف و نگرش غالب مردم زمان آنها بی‌تأثیر نبوده است.

نتیجه گیری: در بررسی حقوق غیرمالی زوجین بحث ریاست خانواده و تعیین حد و حدود آن و تبیین آثار ریاست زوج بر زوجه نیز مسأله بسیار حائز اهمیت است که با استفاده از اصول و قواعد اساسی فقه و آیات و روایات متعدد، این حد و حدود و همچنین وجود یا عدم تأثیر این ریاست بر اقامتگاه و تابعیت و نام خانوادگی زن به خوبی روشن گردیده است. معاشرت به معروف، مدیریت بر اساس رعایت مصلحت خانواده، پرهیز از خودرأیی و زورمداری از جمله اصول تحدیدکننده حق قوامیت و ریاست مرد در خانواده می باشد.

کلید واژه‌ها: حقوق غیرمالی، ایران، زوجین، فقه اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶

*نویسنده مسئول: abdolahi80@gmail.com

مقدمه

پیمان زناشویی اتحاد عاطفی و پیوند معنوی بین زن و مرد است و به محض انعقاد نکاح، رابطه‌ای حقوقی تحت عنوان، زوجیت بین زن و شوهر برقرار می‌گردد و هر کدام از ایشان، در قبال یکدیگر حقوق و تکالیفی خواهند داشت (۱). بنابراین یکی از حقوق زن و مردی که پیوند زناشویی می‌بندند، حقوق غیرمالی آنها نسبت به یکدیگر است حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین، عبارت است از حقوق و تکالیفی که هر یک از زوجین از قبل آنها نه مالی را به دست می‌آورد و نه مالی را از دست می‌دهد، بلکه این حقوق و تکالیف صرفاً دارای جنبه معنوی است. همچنین بدیهی است هر چیزی که برای هر یک از زوجین حق به حساب می‌آید برای طرف دیگر تکلیف محسوب می‌شود.

با اینکه در میان حقوق زوجین نسبت به یکدیگر، حقوق غیرمالی در مقایسه با حقوق مالی از اهمیت و نقش بیشتری برخوردار است ولی متأسفانه از آن غفلت شده یا کمتر به آن پرداخته شده است. به طوری که هر گاه سخن از حقوق ناشی از عقد نکاح به میان می‌آید، مهریه نفقه و حقوق مالی از این قبیل به ذهن متبادر می‌گردد، و این امر از آن روست که در آثار اساتید نویسندگان و محققین بیشتر به حقوق مالی زوجین نسبت به یکدیگر توجه شده است. این در حالی است که در نهاد خانواده، این حقوق نسبت به حقوق غیرمالی از آثار و نتایج کمتری برخوردارند. مهم‌تر اینکه، منشأ و ریشه بسیاری از اختلافات زوجین، رعایت نکردن حقوق غیرمالی ایشان نسبت به یکدیگر است، گرچه مسائل مالی جایگاه خود را دارند، اما با توجه به طبیعت خانواده و از آنجایی که در این نهاد حقوق در خدمت اخلاق بوده و اخلاق مقدم بر حقوق است، رعایت حقوق غیرمالی زوجین می‌تواند نقش چشمگیری در تقویت این نهاد ایفا کند.

حق غیرمالی امتیازی است بدون ارزش دادوستد که به طور مستقیم به پول مبادله و ارزیابی نمی‌شود، مانند زوجیت، ولایت و حضانت موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص و هدف آن مشارکت در بنای جامعه و همچنین رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است (۲)

۱. حقوق و تکالیف مشترک بین زوجین

۱-۱. حسن معاشرت

خانواده نهادی مقدس است که در همه جای جهان برای آن اهمیت خاصی قائل هستند این در حالی است که برای حفظ چنین نهادی قانون نیز مواضعی را تعیین کرده است که یکی از مهم‌ترین این قوانین «حسن معاشرت میان زن و شوهر است در واقع در نظام حقوقی اسلام، معاشرت به معروف برای زوجین یک اصل حقوقی و یک حکم اخلاقی است که به نوعی عمل به تکلیف زوجین نسبت به یکدیگر است. و نباید از نظر دور داشت که ملاک و معیار در حسن معاشرت، عرف و آداب و رسوم محل زندگی زن و حفظ شأن اوست. البته عرفی که منطبق بر عقل سلیم بوده و با اهداف تشکیل خانواده مغایرت نداشته باشد. در حقوق ایران معنای آیه ۱۹ سوره نساء در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر وارد شده است.

جامعه معروف است. در مقابل، معاشرت غیر معروف این است که دیگران به او ستم کنند و استقلال او در جزئیت برای جامعه را سلب نموده و او را تابع و غیر مستقل سازند؛ به این معنا که دیگران از حاصل کار او بهره مند شوند ولی او از حاصل کار دیگران بهره ای نبرد» (۹)

با کنکاشی در قانون متوجه می شویم که تعیین نوع تکالیف مربوط به زوجین از چشم قانونگذار دور نمانده و این امر را در قانون مدنی (مواد ۱۱۱۹-۱۱۰۲) به طور مشروح بیان میدارد تا در صورت تخلف هر یک از زوجین از وظیفه خود بر اساس قانون با او برخورد شود.

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت میداند و ماده ۱۱۰۸ می گوید اثر سوء معاشرت زن بی بهره ماندن او از نفقه است و ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی مربوط به سوء معاشرت مرد است. قانون در صورت استتکاف مرد از دادن نفقه و دیگر موارد تدابیر لازم را اندیشیده است.

پس شیوه قانونگذاری بر خانواده به عنوان پایگاهی برای رشد عواطف انسانی و ارضاء نیازهای فطری و تکامل مراحل عقلانی که متأثر از همین امور است کاملاً متمایز از سایر سیستم های حقوقی است که در قالب آیین نامه های اداری، صرف قابل تحقق و توجیه باشد.

عمل نکردن به حسن معاشرت به عنوان یکی از اصول بنیادی اخلاقی در خانواده، ضمن اینکه منجر به اثرات سوء بر خانواده و فرزندان میشود، از لحاظ حقوقی نیز ضمانت اجرایی را به دنبال دارد؛ به طوری که زنان می توانند به استناد سوء معاشرت، طلاق را مطرح کنند که در قوانین مواردش احصاء شده است.

البته محدوده و مصادیق این حسن خلق نیز از نگاه حقوق دانان به مفهوم عرفی حواله شده، حسن سلوک مفهوم عرفی دارد و بر حسب زمان و مکان آداب و رسوم اقوام و طوایف و خانواده ها فرق می کند. عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن فرهنگ و نیز اخلاق مذهبی و رفتاری در میان هر قوم، مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می آورد.

در تنظیم روابط زن و شوهر اخلاق بیش از حقوق حکومت میکنند؛ برخلاف آنچه برخی تصور می کنند، خانواده تنها یک سازمان حقوقی نیست و قانون توانایی ایجاد نظم در آن را ندارد، بلکه خانواده سازمانی است مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی که نمی توان آن دو را از هم جدا کرد. در این اختلاط نیز غلبه با اخلاق است؛ چون نه تنها بیشتر قوانین راجع به آن ضمانت اجرای مؤثری ندارد، بلکه آنچه هست از اخلاق مذهبی و اجتماعی ناشی شده و در مقررات دولتی نفوذ کرده است.

در این رابطه سخن از عواطف انسانی و عشق و صمیمیت و وفاداری است و حقوق برای حکومت کردن بر آن ها ناتوان است. به زور نه میتوان مرد را به حسن معاشرت با زن واداشت و نه زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری به او مجبور کرد. بر این اتحاد معنوی تنها اخلاق می تواند حکومت کند و حقوق ناگزیر است به جای اتکاء به قدرت دولت دست نیاز به سوی اخلاق دراز کند. بر همین اساس است که در حقوق ایران معنای آیه ۱۹ سوره نساء در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی

زن و مرد وظیفه دارند در زندگی مشترک خانوادگی و زناشویی نسبت به هم خوش رفتار، خوش رو و خوش گو باشند و از هر گونه بدرفتاری، ترش روی و بدگویی دوری نمایند، مگر اینکه عذر شرعی، قانونی و عرفی داشته باشند. و در روش قانونگذاری در اسلام ارکان نظام خانواده بر اصول اخلاقی، چون مودت و رحمت، عفو، فضل، اغماض و گذشت، صلح و رعایت مصلحت خانواده، حاکمیت صفا و صمیمیت، احترام و کرامت و ... استوار است و اینها اموری است که فرآیندی برتر از عدل و مساوات و استیفای حقوق صرف دارد (۳) دستورات متعددی در قرآن کریم وجود دارد، مبنی بر آنکه روابط زوجین بر پایه معروف باشد. مهمترین آیه ای که در این زمینه میتوان به آن استناد کرد آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»: «با زنان به شیوه معروف زندگی کنید» (نساء: ۱۹). معروف در برابر منکر، به معنای رفتاری است که از نظر شرعی و عقلی پسندیده باشد. گرچه خطاب در آیه متوجه مردان است، زنان نیز همین وظیفه را دارند.

علامه طباطبایی، ذیل آیه ۲۲۸ بقره می گوید که چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده است معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند» (۴). در بسیاری از تفاسیر دیگر نیز با بیان اینکه نظام اسلامی در بسیاری از تشریحات خود به عرف عام تکیه می کند، در مورد این آیه با اشاره به رعایت حقوق عرفی زن به وسیله همسر، معروف معادل با عرف دانسته شده است (۵، ۶ و ۷).

و در برخی تأکید شده که مقصود از عرف، عرف زوج یا خانواده او نیست، بلکه، عرف عقلا و عرف متدینین مورد نظر است (۸) بنابراین با توجه به نظرات مفسران می توان گفت خداوند ملاک معاشرت در روابط زوجین را عمل به معروف قرار داده است.

۱-۱-۱ معاشرت به معروف در قانون

اصل معاشرت به معروف یک اصل قرآنی و قانونی ثابت و حاکم بر روابط زوجین است، که همه قوانین در ارتباط با وظایف و تکالیف زوجین را تفسیر می کند.

به عبارت دیگر بعد از ازدواج در موقعیتی که قانونگذار در عرصه حقوق متقابل زوجین، برای هر یک از زن و مرد، وظیفه ای را تعیین مینماید، اصل معاشرت به، معروف به عنوان موازنه ای در نظام خانوادگی، مانع آن می شود که طرفین از ناحیه حقی که به آنها داده شده است، ضرری بر شخص مقابل وارد کنند. در رابطه با معنای معروف در این آیه شریفه علامه طباطبایی می نویسد: «کلمه معروف، به معنای هر امری است که مردم در جامعه خود آن را شناخته و با آن مأنوس باشند و بدان جاهل نباشند. معنای امر به معاشرت به، معروف معاشرتی است که در بین مأمورین به این امر، یعنی مسلمانان، معروف باشد. معاشرتی در میان انسانها معروف و شناخته شده است و در بین آن ها متعارف میباشد که یک فرد جامعه جزء مقوم جامعه باشد یعنی در تشکیل جامعه دخیل باشد و دخالتش مساوی باشد با دخالتی که سایر اعضا دارند و در نتیجه تأثیرش در به دست آمدن غرض تعاون و همکاری عمومی، به مقدار تأثیر سایر افراد باشد ... این، آن معاشرتی است که در نظر افراد

به یکدیگر معاضدت نمایند معاضدت و همکاری زن و شوهر موجب تحکیم پایه های خانواده شده و از امکان هر گونه تزلزل و ناپایداری که از عدم همکاری زوجین حاصل شود، جلوگیری می کند. قانون مدنی همکاری زن و شوهر برای تربیت فرزند را پس از همکاری آنان در تشیید مبانی خانواده لازم میدانند. و منظور ماده این است که زن و شوهر باید در کلیه امور مربوط به زندگی مشترک، با هم همکاری و همبازی داشته باشند. مراد از تشیید مبانی خانواده تلاش زن و مرد در نزدیک ساختن منش و روش و خلق و خوی زن و مرد به یکدیگر است.

زندگی مشترک یک کار گروهی محسوب میشود که اگر همکاری مناسبی بین زن و شوهر نباشد کارها به خوبی صورت نمی گیرد در فرهنگ اسلامی کار مرد در خانه و کمک او به همسر بسیار ارزشمند تلقی شده است. زن و مرد باید در پیشبرد و تحکیم زندگی خانوادگی، همکاری و همراهی داشته باشند و معیار این همکاری هم بنا بر انتظار عرف و فرهنگ زمان و مکان و موقعیت آن دو است.

۱-۳. تربیت فرزند

نگه داری از فرزندان و حفظ سلامت و پرورش جسم و جان و تعلیم و تربیت آنان وظیفه مشترک پدر و مادر است و به هم فکری و همکاری و جدیت آنان نیاز دارد. پدر در این مورد مسؤولیت سنگین تری را بر عهده دارد، اما نقش مادر حساس تر و سازنده تر است زن و مرد هر دو موظفند در حد توانایی و مقتضای عرف زمان و مکان و موقعیت در رشد و پرورش فرزند کوشش نمایند. امام خمینی در سخنانی، اهمیت خانواده در تربیت فرزندان را تا جایی میداند که شغل بچه داری و تربیت صحیح بچه را هم ردیف رسالت انبیا ذکر می کند... مادر که بچه در دامن او بزرگ میشود بزرگترین مسؤولیت را دارد؛ و شریفترین شغل را دارد شغل بچه داری شریفترین شغل در عالم بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند (۱۵)

سخن امام خمینی در باب اهمیت و ضرورت خانواده و بویژه ازن در تربیت کودک بسیار است. از دیدگاه ایشان شخصیت کودکان در خانواده شکل میگیرد و خانواده از دو راه وراثت و محیط نقش اساسی خود را در پرورش کودکان ایفا می کند و نتیجه فعالیتهای تربیتی والدین بالندگی همه جانبه شخصیت کودک (یعنی ابعاد دینی، عاطفی، علمی، اجتماعی و ...) است (۱۵)

۱-۴. وفاداری

هر تشکیلاتی برای بقای خود نیازمند حداقل وفاداری و صمیمیت است ترک زوج یا زوجه از منزل به منزل فراموشی تعهداتی است که در آغاز ازدواج به یکدیگر سپرده اند. زوجین باید قابلیت پاسخگویی به مسؤولیت و مشکلات طرف مقابل را داشته باشند. همچنین زن و مرد نباید رابطه نامشروع با فرد دیگری داشته باشند.

۱-۵. تقدم مصالح خانواده بر مصالح فردی

در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر وارد شده است؛ مطابق این ماده زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند.

۱-۲. حسن معاشرت و معروف در نگاه فقیهان و مفسران

علامه طباطبایی در تعریف معروف میفرماید: «معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن خلق نیکو، سنت های حسنه و آداب است» (۱۱). طبرسی در توضیح آیه عاشروهن بالمعروف می نویسد: «مقصود همزیستی مطابق با فرمان خداوند است که ادای حقوق زن باشد مانند حق بهره وری جنسی پرداخت نفقه و سخن زیبا، معروف آن است که آزار جسمی و گفتاری به زن روا ندارد و در رویارویی با او گشاده رو باشد (۱۲) راغب در مفردات هر دو حسن عقلی و شرعی را در مفهوم معروف نهفته میداند معروف نام هر کاری است که عقل یا شرع، حسن و بایستگی آن را دریابد؛ و منکر، نام هر کاری است که عقل یا شرع آن را زشت و ناپسند بداند... از همین رو به میانه روی در بخشش، معروف گفته می شود؛ زیرا که از منظر عقل و شرع پسندیده است راغب اصفهانی (۹۹۲: ماده معروف). بدین سان معروف با پیشوند معاشرت را می توان شیوه رفتاری پسندیده از منظر عقل و شرع توصیف کرد.

زمخشری (۱۳) و فخررازی پرداخت نفقه زن و خوش زبانی را از مصداق های معروف بر شمرده اند. هنگامی که سخن از معروف و اینکه مفهوم معروف چیست به میان می آید، در مواردی که آیات و روایات محدوده آن را مشخص کرده، تکلیف معلوم است؛ اما در مفهوم معروف آنجایی که ارجاع به عرف و عقل داده می شود، تکلیف و ملاک چیست؟

در این زمینه معیارها متفاوت است برخی ملاک را طبع و خوشایند زن می دانند و برخی نگاهی کلی تر داشته و ملاک را عرف مردم یک سرزمین یا طایفه میدانند که با توجه به آن، عرف معروف سنجیده می شود و برخی علاوه بر طبع و پسند زن شأن و جایگاه اجتماعی او را نیز در نظر می گیرند و حسن معاشرت را در طبقات مختلف اجتماعی متفاوت میدانند (۱۴). شاید بتوان بهترین دیدگاه را که هم با مبانی قرآن سازگارتر است و هم با اهداف تشکیل خانواده موافق تر، نظر علامه طباطبایی دانست که ذیل تفسیر آیه بدان پرداخته اند (۱۰) ایشان معتقدند معروف، هر امری است که مردم آن را بشناسند، انکار نکنند و با آن نا آشنا نباشند. ایشان در ابتدا معروف را در چارچوب جامعه بررسی می کنند و هر فرد از جامعه را عضوی مستقل و آزاد میدانند که در قوام جامعه و به دست آوردن اهداف جامعه به اندازه دیگران تأثیر گذار است و معروف چون مقید به معاشرت شده است، باید مقصود از آن معاشرتی باشد که معروف میان مخاطبان است.

۱-۲ معاضدت و همکاری در تشیید مبانی خانواده

حق غیرمالی مشترک دیگری که بر زوجین محول شده معاضدت و همکاری در تشیید مبانی خانواده» است که ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی می گوید: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود

بدین ترتیب ریاست مرد بر خانواده، عنوانی جامع نسبت به این دو موقعیت است، و بیشک این امر مهم، در تبیین مفهوم و تعیین ماهیت آن باید مورد عنایت قرار گیرد (۱۶ و ۱۷).

در بین فقها در تعیین دامنه ریاست مرد بر خانواده مانند بسیاری از مسائل دیگر اختلاف نظر وجود دارد، البته می توان آراء و نظرات آنان را در دو گروه عمده بیان کرد گروهی از فقها قلمرو ریاست شوهر بر زن را محدود به روابط زناشویی دانسته اند و گروهی دیگر ریاست شوهر بر زن را به صورت عام دانسته و آن را مقید به رابطه زوجیت و امور زناشویی نمی دانند و هر کدام نیز دلایل و استدلالهای خاص خود را مدنظر داشته اند (۱۸)

آنچه در فقه و حقوق اسلامی تحت عنوان قوامیت شوهر آمده است به طور عمده برگرفته از آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) است. «قوامه» در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال (۱۹) آمده همچنین گفته اند که «قوامه» در لغت به مفهوم محافظت کردن و رعایت مصالح فرد است سائس و دیگران (۱۴۱۵: ۴۵۵) و از همین ریشه است «قیم»، به معنای کسی که بر امور چیزی قیام می کند و متولی آن می شود و آن را اصلاح میکند (۲۰ و ۲۱) قوام نیز به معنای قیم است، با این تفاوت که قوام بلیغ تر و رساتر است و او کسی است که قیام کننده و عهده دار مصالح و تدبیر استغراء (۲۲)

محمد بن جریر طبری از قدیمی ترین مفسران اهل سنت در این باره می گوید: «مردان قائم بر زنانشان در تأدیب و نظارت بر انجام واجبات و تکالیف آنان در برابر خداوند و شوهران میباشند» و آنگاه از ابن عباس نقل می کند که گفته است منظور از قوامون در آیه شریفه یعنی امرا و حاکمان و بر زنان است که طبق دستور خداوند از شوهران اطاعت کنند (۲۳)

ابن کثیر دمشقی نیز معتقد است: «مرد قیم بر زن رئیس و بزرگ او و حاکم بر اوست و ادب کننده وی به هنگام کجروی و انحراف است (۲۴)

جار الله زمخشری نیز گفته است: «قوامون علی النساء؛ یعنی مردان با امر و نهی بر زنان اشراف و سیطره دارند، همان طور که والیان و حاکمان بر رعیت حکومت دارند (۱۲). علامه طباطبایی در تفسیری از آیه «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِنَا بِالْمَعْرُوفِ (بقره: ۲۳۴) می فرماید: همچنین قیومیت (ریاست) مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او در دفاع از منافعش سلب کند پس زن همچنان که استقلال و آزادی خود را دارد می تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و از آن دفاع نماید و برای رسیدن به این هدفهایش به مقدماتی که او را به هدفهایش میرساند متوسل شود (۱۰) گروهی از فقها با استناد به آنکه مهمترین دلیل و مدرک شرعی برای ریاست شوهر بر همسرش، طبق آیه ۳۴ سوره نساء، انفاق زن از طرف شوهرش است و تکلیف انفاق زوج نسبت به زوجه اش صرفاً در صورت وجود رابطه زوجیت بر ذمه زوج ایجاد میشود، قلمرو ریاست شوهر بر زن را محدود به روابط زناشویی دانسته اند؛ از جمله علامه طباطبایی که بیان داشته اند قوامیت مرد بر همسرش

یکی از اصول و مبانی حقوق خانواده در اسلام اصل گذشت و اغماض در مواردی است که مصلحت عمده تری چون حفظ کیان خانواده مطرح است. بالاترین حد سازش و گذشت پس از پیوند ازدواج این فرموده قرآن است: «فَلَا تَنْكُرْهُمَا فَعَسَى أَنْ يَكْفُرُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹). اگر به دلایلی از همسران و زنان خود رضایت کامل ندارید، ولی به خاطر مصالح خانواده و ارج گذاشتن به این پیوند، در حفظ این بنا می کوشید و کانون گرم خانواده را ویران نمی کنید و شیوه سازش و معاشرت احسن را رعایت می کنید، خداوند به جبران این عمل، خیر و برکات فراوان نصیب شما می گرداند که از آن جمله اعطای فرزندان صالح و شایسته و برکات دیگر است.

این فرهنگ قرآنی خطاب به کسانی است که با عدم توافق، اخلاقی عاطفی یا مسائل دیگری که با همسرانشان دارند، روی به طلاق می آورند و در راه سازش شکبیا نیستند و گسستگی را بر پیوستگی ترجیح می دهند. قرآن پیوند ازدواج را میثاق غلیظ می نامد (نساء: ۲۱)، یعنی معاهده و عقدی محکم و استوار.

لذا طرفین این پیمان در حفظ قوام و استحکام آن باید رعایت تمامی اصول ارزشمند زندگی را بنمایند که عمده ترین آن حسن معاشرت است. امروزه بی توجهی به ارزشهای اخلاقی و مصالح خانوادگی و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و توجه خاص به ابعاد مادی زندگی زمینه ساز ناسامانی های خانواده و تصمیم گیری های ناپخته و عجولانه درباره طلاق و جدایی میشود عدم توجه به عوارض سوء ناشی از جدایی از جمله بی سر و سامانی و سرگسستگی افراد خانواده بعد از طلاق عواملی هستند که خانواده را به پرتگاه سقوط می کشاند.

آموزش رموز رفتاری در خانواده برقراری ارتباط حسنه و ایجاد تفاهم در مقاطع خاص برای جوان در آستانه ازدواج ضروری است. همچنین در جهت ابقا و احیای ارزشهای الهی در خانواده قوام بخشیدن به سنت های حسنه مذهبی و ملی در کنار رشد و توسعه صنعتی یکی دیگر از تعلیماتی است که جوان امروز باید ببیند.

۲. وظایف زن در برابر شوهر (حقوق مردان نسبت به زنان)

۱-۲ پذیرش ریاست شوهر

اگر در زندگی زناشویی و خانوادگی مشکلی و مسئله ای پیش آمد، حل آن با نظر نهایی شوهر است. البته این وظیفه شوهر، نباید خارج از حسن معاشرت و معاضدت، شرع و قانون باشد و باعث سوء استفاده شوهر شود. بررسی مواد قانون مدنی در زمینه مدیریت و سرپرستی خانواده نشان میدهد که «ریاست مرد در دو قسمت مطرح می گردد:

۱. ریاست شوهر بر زن یا قوامیت شوهر که در رابطه زوجیت است (مستفاد از ماده ۱۱۰۵ ق.م)
۲. ریاست پدر بر فرزند یا ولایت پدر که در رابطه پدر و فرزندی است مستفاد از مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ ق.م)

زن باید در نزدیکی جنسی و دیگر بهره های شهوی مرد با او حالت پذیرش و آمادگی در حد توانایی جسمی و روحی بنا بر انتظار عرف داشته باشد مگر این که دارای عذر شرعی و قانونی مثل عادت زنانگی مرضی و ... باشد.

یکی از وظایف زن این است که نیازهای جنسی همسرش را بر طرف کند. هر چند قانون در این مورد ساکت است و به عبارت حسن معاشرت اکتفا کرده است. ولی در فقه در این مورد بیانات فراوانی وجود دارد از جمله اینکه شوهر حق دارد هر زمان که بخواهد، از همسر خویش بهره ببرد، مگر زن، مانع شرعی یا وظیفه مهم‌تری داشته باشد و بر زن لازم است که منافات این حق شوهر را برطرف سازد (۱۹). در احکام فقهی دیگر فقیهان نیز به این مسئله اشاره شده است به‌عنوان نمونه امام خمینی در این باره می‌نویسد:

زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد مدیون زن است (۲۱).

ولی باید عنایت داشت که اصطلاح تمکین عام به هیچ وجه به مفهوم اطاعت عام و بی چون و چرای زن از شوهر نیست، چه همانطور که بیان شد قوامیت شوهر بر زن تنها در محدوده زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده است و هیچ‌گاه متعرض حقوق و آزادیهای مشروع زن و محدوده استقلال او نمی‌شود.

۲-۳. تبعیت از مرد در محل اقامتگاه و مسکن

اختیار انتخاب محل زندگی با مرد است مگر اینکه این اختیار را شوهر به زن واگذار کرده باشد و یا خلاف شأن اجتماعی زن باشد و یا ضرر جانی و جسمی برای زن داشته باشد.

۲-۴. تبعیت از مرد در خروج از منزل و ورود دیگران به منزل

خروج زن از منزل باید با اجازه همسرش باشد مگر اینکه برای انجام تکالیف دینی؛ مثل حج واجب یا برای انجام مداوا از منزل خارج شود یا ماندن در خانه ضرر جانی، بدنی و شرافتی، برای زن داشته باشد.

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسانها، خروج زن از منزل و معاشرت، وی بی آنکه مقارن با مفسده ای باشد باید عملی روا تلقی شود، اما با عنایت به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن بویژه تمکین او در برابر کامجویی شوهر و همچنین با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسؤولیت شوهر در حفظ و صیانت زن این حق زن با اشکال ها و ابهام هایی مواجه شده است.

نظریه مشهور در فقه امامیه بر این است که زن برای خروج از منزل، شوهر، لازم است که رضایت او را به دست آورد و در مقابل شوهر می‌تواند زن را از بیرون رفتن از خانه منع کند، اگر چه این عمل زن با حقوق شوهر منافاتی نداشته باشد (۱۰).

شهید ثانی نوشته است از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود، حتی اگر برای دیدن و عیادت

به گونه ای نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن، مالی را به او می‌پردازد، زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع مرد است مطیع وی باشد و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد» (۱۰).

علامه فضل‌الله نیز در این باره می‌نویسد: برخی مصداق ریاست مرد بر زن را توسعه میدهند تا شامل هر چیزی بشود، به‌طوری که مرد قائم به کارها و امور مختلف زن شود و هر چیزی نمی‌شود، بلکه مختص به دایره زوجیت و رابطه همسری است (۲۵). ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به‌طور مطلق اطاعت کند به گونه ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی اش مختل شود (۲۵) میتوان گفت قانونگذار نیز به تبعیت از نظر این گروه از فقها، در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی مقرر کرده است در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است پس قانون مدنی به صراحت ریاست مرد بر خانواده را محدود به رابطه زوجیت کرده و به نظر می‌رسد این دیدگاه که قانونگذار ما نیز آن را پذیرفته است بیشتر با اصل آزادی اراده و عدم سلطه فردی بر دیگری سازگار است و از سوی دیگر عقل نیز آن را تأیید میکند اما با این همه، گروهی از فقها و اندیشمندان، ریاست شوهر بر زن را به صورت عام دانسته و آن را مقید به رابطه زوجیت و امور زناشویی نمی‌دانند و حتی گروهی از مفسران پا را فراتر گذاشته و قوامیت مرد را به حکومت والی و حکمرانی مطلق مردان بر زنان دانسته‌اند (۱۵).

البته در برابر این دیدگاه که ریاست شوهر را نوعی برتری و فضیلت مردان و سیطره و تسلط آنان بر زنان می‌داند، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که با کرامت انسان و اصل برابری و عدم برتری هماهنگ است. به‌عنوان نمونه شیخ طوسی بی‌آنکه ادعایی به مزیت و سلطنت مردان داشته باشد، فرموده است: قوام بر دیگری کسی است که متکفل و عهده دار هزینه، پوشاک و سایر نیازمندی‌های او می‌شود.» (۲۵) پاره‌ای از مفسران نیز در این باره نوشته‌اند: «قوامون یعنی قائم بر امر زنانند، در کارهای آنان قیام و ایستادگی و در محافظتشان رعایت و مراقبت دارند (۲۶).

جالب اینکه برخی حتی وجود برتری و اشراف را برای مرد مردود دانسته‌اند، تا جایی که قوام بودن مرد را به نوعی تکلیف و مسؤولیت تبیین کرده و رهبری و ریاست او را نیز در راستای آن توجیه نموده‌اند (۲۷).

با مطالعه آثار امام خمینی تلویحاً می‌توان استخراج کرد که وی بیان میدارد، یکی از وظایف زن این است که از شوهر خود اطاعت نماید و نافرمانی از او نکند (۲۸) و حکومت اسلامی به همان اندازه که به اجتماع و مملکت اهمیت داده به خانواده نیز اهمیت و اصالت بخشیده و در تمام زمینه‌ها برای هر کدام قوانین مستقل و جدا مقرر داشته است، چنانچه در جنب ولایت امام و رهبر بر مردم، ولایت پدر نسبت به اعضای خانواده را مقرر داشته است (۲۹).

۲-۲. تمکین زن نسبت به مرد

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مقرر داشته است: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.

اختیار شوهر تنها ناظر به مشاغل زن پس از ازدواج دانسته نشده بلکه آن را به تمام شغلهایی که پیش از آن آغاز گشته نیز تسری داده اند حتی گفته اند رضایت شوهر نیز از اختیار قانونی او نمی کاهد؛ زیرا منع زن تنها حق مرد نیست که بتوان ادعا کرد با اعلام رضایت ساقط شده است. بقای این اختیار در زمره مسائل مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن در شمار تکالیف و مسؤولیتهای شوهر در اداره خانواده است» (۲۵). امام بائینکه با اشتغال زن مخالفتی نمی کنند، اما در سخنانشان، وظیفه اصلی زنان را تربیت اولاد صالح دانسته و دامن زنان را انسان ساز معرفی میکنند. ایشان زنان را متوجه وظیفه اصلی خود، یعنی تربیت فرزند می کنند: «شما خانها... معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید... یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغلها بالاتر است یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم... امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸ (۹۰) و همچنین میفرماید: «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش خود و کشور هستند» (۱۲)

وظایف حقوقی مختص مرد نسبت به زن

در رابطه با حقوق زن بعد از ازدواج به دو نوع حقوق تأکید شده که این دو نوع حقوق عبارت از حقوق مالی و حقوق غیرمالی است. حقوق مالی زن که شوهر مکلف به رعایت آن است حق نفقه حق مهر و حق میراث است، اما حقوق غیرمالی زن عبارت از آن دسته حقوقی است که به صورت قانونی نیامده است ولی از آیات و روایات می توان آن را برداشت کرد این نوع حقوق عبارتند از برخورد نیک شوهر در برابر زن؛ اکرام و مدارا؛ مراقبتهای دینی و اخلاقی؛ اجازه ملاقات و رفت و آمد با والدین و دوستان؛ اذیت و آزار نکردن زن؛ وظایف زناشویی و هم بستری مرد نسبت به زن

۱-۳ برخورد نیک شوهر در برابر زن

در مورد برخورد نیک با زن خداوند در سوره نساء آیه ۱۹ می فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرَهُنَّ مَوْهِنٌ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» ترجمه: با زنان خویش به طور شایسته و پسندیده معاشرت کنید پس اگر ایشان مورد قبول و پسند شما واقع نگردند شاید چیزی را پسند نکنید و آن را بد بدانید که خداوند در آن خوبیهای فراوان را نهفته باشد.

از ترجمه آیه فهمیده میشود که شوهران در گفتار، کردار و رفتار خوب با همسرانشان خلق خوش و رفتار نیک را بکار گیرند، اگر هر کدام از عادات زنان برای شوهران ناپسند باشد باید صبر و شکیبایی پیشه کنند، چنانچه حضرت پیغمبر اسلام فرموده اند بهترین شما آنهایی هستند که با زن و فرزندان خود بهترین رفتار را داشته باشند و من برای خانواده ام از همه شما بهترم (۵)

۲-۳ اکرام و مدارا

بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد. سبزواری (بی تا ۱۸۶) و صاحب جواهر (۲۳) نیز چنین عقیده ای را ابراز داشته اند.

برخی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی گفته اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظور که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد (۳۳).

به هر حال، مبنای این باور می تواند از یک سو اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد (نجفی ۱۹۸۱ ج ۳۱) و از سوی دیگر میتوان پایه نظریه مزبور را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی سازد. بنابراین زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه بهره جویی مرد را از میان میبرد اجازه بگیرد (۳۴) البته در اثبات این نظریه برخی به آیه ۳۳ سوره احزاب تمسک جسته اند که «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى (۲۶)

توضیح اینکه آیه ۳۳ سوره احزاب در خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله- و در مقام توصیه به حفظ عفت و حجاب است که در خانههای خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین - که زنان با پیراهن های بدن نما بیرون می آمدند - در میان مردم ظاهر نشوید. روشن است که از این جهت، به ممنوعیت خروج زن بدون کسب اجازه شوهر ارتباطی ندارد.

و همانطور که برخی از فقیهان معاصر اشاره کرده اند ناروا بودن خروج زن از منزل و وجود حق منع به طور مطلق برای شوهر با قاعده امساک به معروف (طلاق) (۲) و معاشرت نیکو با زن (نساء: ۱۹) مغایرت دارد و از سوی دیگر قاعده نفی حرج از انسان در دین اسلام راه را بر چنین باوری مسدود می سازد، چراکه با به رسمیت شناختن چنین حقی برای مرد به او اجازه داده میشود که حتی زن خود را به طور ابد زندانی و در بند خانه خویش قرار دهد (۱۵)

۲-۵. تبعیت از مرد در اصل شاغل بودن و نوع شغل

در صورتی که شغل زن خلاف انتظار عرف، زمان مکان و موقعیت و جنسیت زن و مرد باشد. شوهر به استناد ریاست و مسؤولیت خود در حفظ مصالح و سلامت خانواده و حراست از حیثیت آن، حق دخالت دارد. البته، کار و فعالیت شغلی از حقوق قانونی و مشروع زن محسوب می گردد و زن می تواند همانند مرد با رعایت موازین شرعی به کار و حرفه متناسب با شئون خویش اشتغال ورزد و از این جهت منعی برای او وجود ندارد (۳۶). اصل بیستم قانون اساسی نیز به نوبه خود این مطلب را تأیید می کند.

در ابتدا باید یاد آور شد که کار و اشتغال زوجه به طور معمول مستلزم بیرون رفتن از خانه است و فعالیت شغلی او با اولویت بیشتری به کسب اجازه از شوهر و جلب رضایت او نیازمند است و شوهر حق خواهد داشت که او را از هر گونه اشتغال در محیط خارج از منزل باز دارد. بدین جهت است که برخی از اندیشمندان معتقدند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد. بنابراین، چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نگرفته [باشد، شوهر می تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هر گونه حرفه در بیرون خانه منع کند» (۱۴)

۴-۶ رعایت عدالت در میان زنان

یکی از موارد بسیار مهم رعایت عدالت میان زنان است در صورتی که مرد دارای چند همسر باشد باید عدالت را رعایت کند خداوند متعال برای کسانی که در بین زنان خود نمی توانند عدالت را رعایت کنند فرموده است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»؛ «اگر نگران آن بودید که نتوانید به عدالت رفتار کنید، به یک همسر اکتفا کنید (۱۴)».

شوهر موظف به رعایت عدالت مادی و معنوی در حد توان میان زنان خود می باشد. شوهر نباید یکی را نسبت به دیگری در غذا، لباس، مسکن ترجیح دهد. مگر آنچه نمی توان مانع آن شد که عبارت از تمایل قلبی و غیر ارادی انسانها است. چنانچه خداوند در سوره نسا آیه ۱۲۹ فرموده است: «شما هرگز نمی توانید میان زنان عدالت کنید هر چند بر عدالت حریص باشید! پس به یک طرف یکسره تمایل نوزید تا آن زن دیگر را سرگشته [بلا تکلیف رها کنید. و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است]».

۳-۷ وظایف زناشویی و همبستری مرد نسبت به زن

قانون در این مورد ساکت است و به عبارت حسن معاشرت اکتفا کرده است. اما فقها در دو قسمت به این بحث پرداخته اند:

۱. حق زن بر شوهر این است که اگر زن باکره است، پس از عروسی، هفت شب را نزد او بماند و اگر ثبیه باشد سه شب و پس از آن اگر دارای یک زن است باید هر چهار شب یک شب نزد او بماند و سه شب دیگر آزاد است و هر گاه دارای چند زن است باید نزد هر یک شی را از چهار شب بگذراند (حق قسم). (۲۵)

فقیهان امامیه و اهل سنت در اصل وجوب قسم اتفاق نظر دارند. شیخ مفید نخستین فقیهی است که بابتی را به نام باب قسم در کتاب نکاح خود مطرح کرده است (۱۶) و فقهای بعدی از او تبعیت کرده اند روایات فراوانی نیز بر آن دلالت دارد (۱۳)

۲. نزدیکی جنسی شوهر مکلف است هر چهار ماه یک بار با زن خود نزدیکی جنسی نماید و این از حقوق زن محسوب میشود. در تحریر الوسيله آمده است ترک نزدیکی با زوجه در بیشتر از چهار ماه جایز نیست مگر این که با اذن او باشد حتی بنا بر اقوی اگر منقطعاً باشد و این حکم اختصاص به نداشتن عذر دارد و اما با وجود عذر مادامی که موجود است مطلقاً جایز میباشد مانند این که ترس ضرر بر او یا بر زوجه باشد (۱۷)

نتیجه گیری

با بررسی در آثار فقها و امام حاصل شد خانواده یک واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، زندگی زناشویی، قوام تحکیم و استمرارش به، محبت، دوستی، تفاهم، احترام متقابل و به رسمیت شناختن و رعایت حقوق همدیگر است. بنابراین دین اسلام برای آنکه محیط و اجتماع کوچک خانواده قوام پیدا کند و تداوم یابد برای هر یک از زن و شوهر حقوقی در نظر گرفته و در مقابل این حقوق وظایفی را نیز برای آنان تعیین کرده است؛

مرد وظیفه دارد قدر شناس همسرش باشد و او را نعمتی از جانب خدا بداند. وی را گرامی داشته، با او مدارا کند، لغزش هایش را ببخشد و سخت گیری و لجاجت نکند. اسلام چنین برخوردی را از حقوق زن و وظایف شوهر میدانند.

امام سجاد علیه السلام فرمود حق همسرت این است که بدانی خدای متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و نعمتی است از جانب خدا بر تو پس او را گرامی بداری و با وی مدارا کنی. گرچه تو نیز بر وی حق داری تو باید دلسوز او باشی؛ زیرا اسیر تو است. باید غذا و لباسش را فراهم سازی و اگر اشتباه کرد، ببخشی (۳۷)

۳-۳ مراقبت های دینی و اخلاقی

مرد وظیفه دارد به مسائل، اعتقادی، اخلاقی و دینی همسرش عنایت داشته باشد؛ یا خودش در این باره به او کمک کند یا وسیله آموختن آنها را برایش فراهم سازد. مواظب اخلاق و رفتارش باشد. به کارهای خوب و اخلاق پسندیده دعوتش کند و او را از کردار زشت و اخلاق ناپسند نهد. در یک کلام، او را از آتش دوزخ برهاند و به بهشت دعوت کند.

این یکی از آثار و لوازم سرپرستی و قیمومیت است که بر عهده مردان نهاده شده است.

قرآن میفرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و خانواده تان را از آتش دوزخ نگاه دارید، آتشی که هیزم آن مردم و س و سنگ ها هستند».

۳-۴ اجازه ملاقات و رفت و آمد با والدین و دوستان

شوهر نباید مانع دید و بازدید زن از والدین و اقارب وی، شود بعضاً به خاطر سوء تفاهات و یا رنجش که میان والدین زن و نزدیکان شوهر صورت می گیرد، شوهر مانع رفت و آمد خانم به منزل والدینش می شود.

در حالی که مسائل شخصی نمی تواند حق زن را در این رابطه محدود نماید، حتی در حالات عاجل و وقوع مریضی ها و حوادث دیگر زن می تواند بدون اجازه شوهر به خدمت والدین و اقارب بشتابد.

۳-۵ اذیت و آزار نکردن زن

شوهر نباید با کلمات زشت و یا بی حرمتی همسر خود را که مادر فرزند وی است مورد اذیت و آزار قرار دهد؛ زیرا این عمل از شخصیت و کرامت زن می. کاهد. خداوند متعال می فرماید: تنها به خاطر اذیت و آزار آنها را نگاه ندارید و هر کس چنین کند به راستی به خویشتن ستم می کند (۳۶). همچنان حدیث مبارک است « یطعمها إذا طعم و یکسوها إذا اکسی، و لا یضرب الوجه، و لا یقیح، و لا تهجر إلا فی المیت (۳۵)؛ یعنی حق زن شما بر شما آن است هرگاه غذا صرف کنی به وی غذا بدهی و هرگاه لباس پوشیدی به وی نیز لباس بپوشانی و بر چهره و صورت او سیلی نزن و او را زشت و قبیح نسازی و از او کناره نگیری و او را ترک نکنی مگر در خانه ات.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی که به صورت همسرش سیلی بزند خدا به فرشته مأمور دوزخ (مالک) دستور می دهد که در دوزخ هفتاد سیلی بر صورتش بزند. و هر مردی که دستش را بر موهای زن مسلمانی بگذارد برای اذیت موی سرش را بگیرد در دوزخ دستش با میخ های آتشین.

حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آن‌ها باید از حقوق انسانی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند.

چراکه خداوند هر جا حقی در نظر گرفته، تکلیفی را هم مقرر نموده است.

قوانین و مقررات و برنامه‌های کشور باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، حمایت و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. و زن و مرد بر اساس

References

1. H M. Al-Majam al-Wasit Istanbul: Dar Dawa Publishing House.1989.
- 2.I M. Al-Sara'er al-Hawi for Tahrir al-Fatawi, Qom: Islamic Publication Institute.2002.
3. S K. Tafsir of Ibn Kathir, Beirut: Dar al-Marafa for printing and publishing. Ibn Manzoor.1997.
- 4.I R. Tahrir al-Wasila, Tehran Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini.2003.
- 5.A M. Kitab al-Nikah, Qom: Al-Anqar al-Islami.1989.
- 6.B Y. al-Hadaiq al-Nadrah fi Akhmat al-Utrah al-Tahira, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House.2002.
- 7.G S. Family rulings and issues containing Imam Khomeini's fatwas), Tehran.2008.
- 8.J A. Fiqh Ali al-Mahabh al-Arba with the research of Ibrahim Muhammad Ramadan, Beirut: Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam.
- 9.J M. Legal Terminology of Tehran Ganj Danesh.2011.
- 10.J A. Woman in the Mirror of Jalal and Jamal Tehran: Raja Cultural Publishing Center.
- 11.H M. Details of the means of the Shiites to study the issues of the Shari'a, Beirut: Dar Ahya.2015.
- 12.K HM. Walayat, Shafa'a and Al-Jajara in Fiqh al-Islami in Thawba al-Jadid, Beirut, Dar Al-Qalam Publications.1984.
- 13.S H M. Al-Anawin, Qom: Islamic Publishing Institute.2003.
- 14.H S. The Approaching of the Qur'an to the Mind, Beirut: Dar al-Uloom.2017.
- 15.K A. Minhaj al-Salehin, Qom: Madinat al-Alam, Ayatollah al-Khoei.2003.
16. R EM. Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, Damascus: Dar al-Shamiya Publishing House.1992.
- 17.R M. Tafsir al-Manar, Beirut: Dar Al-Marafa Publications.2009
- 18.Z W. The Muslim family in the contemporary world, Damascus: Dar al-Fakr publishing house.2016.
- 19.Z M. Al-Kashf on the hidden facts of Al-Tanzil and the eyes of the proverbs in the faces Al-Taawil, Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyeh. 2012.
- 20.S M. Tafsir Ayat al-Ahkam, Beirut.2008.
Publisher of Ibn Kathir.
21. S B. Kefayat al-Ahkam, Isfahan: Mahdavi.1999.
- 22.S TM. al-Mabusut fi fiqh al-Amamiya, Tehran: Mortazavieh School. Shaykh Mufid.2006.
- 23.D M. Tafsir al-Mizan, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House.1985.
- 25.T MB. Ta Tafsir al-Tabari, Cairo: Dar al-Ma'arif Tarihi, Fakhr al-Din. Jamal Al Bayan, Tehran: Mortazavi bookstore.1996.

- 26.A Q. Family Rights, Kabul, Mayvand Publications 2008.
- 27.Fakhrazi, Muhammad bin Omar (B.T.) al-Tafsir al-Kabeer, Cairo: Tehran Offset Press.
- 28.AB H. Tafsir al-Baghwi Maalam al-Tanzir, Beirut: Dar Al-Marfa'a Publications. 2013.
- 29.F SM. Islamic Reflections on Women, Beirut: Dar al-Malaq Publications World of Women, Beirut: Dar al-Malaq. 2005.
- 30.K N. Family civil rights, Tehran: publishing company. 1993.
- 31.R N. Introduction to the science of law and the study of Iran's legal system, Tehran: Modares Publications. 1992.
- 32.P N. Family Law, Tehran: Mizan Publishing House. 2012.
- 33.M H. Islamic Laws in Halal and Haram Issues, Tehran: Esteghlal Publications. 2003.
- 34.A D. jurisprudential review of family law - marriage and its dissolution, Tehran: Eloom Publishing. 1992.
- 35.N HM. Mustadrak al-Wasail and Mustanbat al-Masal, Bija, Bina. 2012.
- 36.Kuwait Ministry of Endowments and Islamic Affairs. (Bita) Al-Masua al-Fiqhiyyah, Kuwait Ministry of Awqaf and Islamic Affairs, Kuwait. 2005.
- 37.M A. Terms of jurisprudence, Qom: Al-Hadi publication. 1999.
- 38.B E. A new approach in family relations, Tehran: Safir Sobh. 1998.